

(ترجمه از فتویہ)

بنا بر دل منگی بر خیز مرگان پس	بر بقاء عمر نبود بعد از اینست دگر کسی
سور غیبت ساریال محمد مران کز ہم آن	گفته بر با اینه را این زده دارد فریاد صریح
تا مر زارم تر از حال من آگاہ گرد	سگر لکه گشت فریادم مرا فریاد رس
رضه از بر سر فرو انده رسم تر نعمت	لا ذر را بر رخ زدم خوشتر همی باشد تحقق
عاش صفاق صم نفعان یا به از طعن گمان	برق آید رخ گردد از محوم حواد حق
سوز محبت را کم نهان بحسیم خویش	تا رود جان از تم از دل بنارم یک نفس

بگفته در ملک مقام است از فتویہ خردم

از حدال بطاعت برین بلا بر تو کس

تاریخ ۲۸ روزه ۱۹۴۸

۱۴